**ترانه های کنونی**

**شکیبا، حسین**

بحرانی ترین و بی نظم ترین دوره‏های زبان و ادبیات مادر حال تکوین است، گروهی از اساتید و بزرگان ادب عصبانی و پریشان خاطر هستند که لغت سازان معاصر بکشور و زبان سعدی و حافظ لطمات سختی وارد ساخته‏اند.دسته دیگر از میهن پرستان در فکر احیاء زبان و آثار و ادبیات ایران باستان میباشند و در این راه قدمهائی برداشته‏اند.دسته سوم که بنظر نگارنده راه خطا و نا صوابی می‏پیمایند کسانی هستند که ادبیات ایران را بحالت ابتذال در آورده، بسرودن اشعار و ترانه‏هائی می‏پردازند که از لطافت معنی و تناسب شعری و محسنات ادبی عاری میباشد و بنام قطعات نشاط انگیز بخورد جوانان کشور میدهند، و آنان نیز این غذای خوشمزه ولی مسموم را با ولعی هرچه تمامتر می‏بلعند.کلماتی که در اینگونه ترانه‏ها بکار میرود از حدود اندامهای یار و عشق و وفا و مهربانی و بوس و کنار تجاوز نمی‏کند و بدتر اینکه صفحاتی هم از این اشعار بی سر و ته پر میکنند و بگوش شنوندگان میرسانند راستی اگر وقتی خارجیان مضمون این ترانه‏ها و تصنیفها را بخواهند و ترجمه کنند تا چه حد موجب شرمندگیست! تنها عاملی که این ترانه‏ها را جاذب و قابل شنیدن مینماید همانا آهنگهای موزون و آوازهای دلنشین خوانندگان زبر دست است که اگر این خوانندگان دقت بیشتری در انتخاب اشعار نمایند هنر و صنعت ایشان بمراتب گرانبها تر و جذاب تر خواهد شد. جای تأسف است که سرودهای وطنی و تصنیف‏های مهیج مرحوم عارف یا تصانیف دلکش و پر مغز آقای ملک الشعراء بهار و یا اشعار پر از احساسات آقای عبدالعظیم قریب(کشور ما کشور ایران بود)کم‏کم از خاطرها محو میگردد و بجای آنها اشعار بی سر و ته انتشار و رواج می‏یابد، چه خوب بود اگر جوانان استعداد و قریحه سرشار خود را در این راه مصرف نمیکردند و تابع تمایلات مردم سطحی و بی علاقه بادبیات مملکت نمیشدند بلکه بوسیله اشعار آبدار خود احساسات جوانان را بوطن پرستی و صفات برجسته ملی تحریک مینمودند!

اداره کل تبلیغات باید ادباء و شعرائی را تشویق کند که روح جوانمردی و میهن پرستی را در جوانان مملکت بیدار و تهیبج مینمایند.سرودهای ملی و وطنی مورد علاقه جوانان حساس است نه ترانه‏های عاشقانه.نباید توجه نمود که فلان دختر خرد سال یا فلان جوان بوالهوس چه صفحاتی را از رادیو خواسته‏اند بلکه از وظائف متصدیان رادیوست تشخیص دهند که برای دختران و کودکان و جوانان کشور چه صفحاتی مورد لزوم است تا بوسیله آن صفحات روح و فکر و حواس آنان را پرورش دهند، مربیان هیچگاه تابع خواهش و اراده نو آموزان نباید باشند بلکه نو آموزان باید دستورها و تعلیمات مربیان مجرب و کار آزموده خود را اطاعت کنند.

جای نگرانی است اگر این بی قیدی و بی اعتنائی نسبت بتربیت نوباوگان مملکت دوام یابد و فکر تازه و درستی برای جبران غفلتهای گذشته در دماغ ارباب ذوق و ادب تولید نشود.